



درس شانزدهم؛ وقتی پوعلی، کودک بود

نادیده بگیرم: منصرف شوم ، در نظر نگیرم

فرصت: مهلت ، زمان

پارسی: فارسی

فرا گرفتن: آموخت

اشک شوق: گریه از شادی

دل خوشی: شادمانی ، خوشحالی

دل بستگی بی اندازه: علاقه - محبت

جهش: حرکت ناگهانی

حیرت آور: شگفت آور ، تعجب آور

حقیقت: واقعیت

بی رنگ: رنگ پریده

ناگهانی: غیر منتظره ، پیش بینی نشده

تازه از بستر بیماری برخاسته بود: تازه خوب

شده بود

بهبودی: تندرستی

شکرانه: کاری که برای سپاس انجام می شود

، مبارکی

رحمت: لطف و مهربانی

نذر کرده ایم: دادن مال یا چیزی یا انجام

کاری در راه خدا

سپیده دم: بامداد ، سحرگاه

سر در کتاب دارد: کنایه از سرگرم خواندن

کتاب است

سیما: چهره

بگذاریم: اجازه دهیم

واگذار کن: بسپار

سفارش : درخواست انجام کاری - توصیه

حیرت زده : سرگشته - شگفت زده

دست بردار نبود : اصرار می کرد

برقی در چشمانش : نور امید و شادی در
چشمانش

ماجراها: داستان ها

دم به دم: پی در پی، مدام

شب و روز نمی شناسد: کنایه تمام وقت کاری
را انجام دادن

پشتکار: توان ، جدید

روی گشاده: چهره خندان و شاداب

کنجکاو: جست و جو گر

نامدار: مشهور

آسوده خاطر: آسوده دل - خیال راحت

تامل: اندیشه

ماهری: زبر دستی - مهارت

رویداد: حادثه

نقل می کرد: تعریف می کرد

چشم به دهان او دوخته بود: کنایه به دهان او

خیره شده بود که در حال حرف زدن بود

به ستوه آمدن: خسته شدن

آرام و قرار از کف داده بود: کنایه از صبر و

تحمل او پایان یافته بود

کوهسار: زمینی که در آن کوه است -
کوهستان

ناگه: مخفف ناگهان

دچار: گرفتار

گران سنگ: سنگ بزرگ و سنگین

تیره دل: سیاه دل - نامهربان

سخت سر: مقاوم - سرسخت - لجباز

زور آزمای: کسی که با دیگران دست و پنجه

نرم کند - پهلوان

در استاد: پافشاری کرد - اصرار کرد

ابرام: پافشاری کردن در کاری

بسی: بسیار

به نرمی: آهسته

سخت: محکم

کرم کرده: لطف کن

نیک بخت: خوش بخت - خوش اقبال

کاوید: جست و جو کرد - تلاش کرد

خارا: نوعی سنگ محکم و سخت

یاس: ناامیدی

ناید : نمی آید

ناید به بار : سود و فایده ای به دست نمی آید

گرت : مخفف اگر تو

سهل : آسان

واژگان مخالف:

شکر # ناشکری ، ناسپاسی

کوچک # بزرگ

نا توان # توانا

برخاسته بود # نشسته بود

پاسخ # جواب

دور # نزدیک

بیماری # سلامتی

نیازمند # بی نیاز

نخستین # آخرین

نامدار # گمنام

واژگان هم خانواده:

طیب: طب ، مطب ، اطبا

نقل: انتقال

حقیقت: حقایق

کوشش: کوشا ، کوشنده

شکرک شاکر ، تشکر

دانش: دانشمند ، دانا

حفظ: حافظ ، محافظت